

## **The Impact of the "Majlese tahgige mazalem" on Power Relations in the Nasser- ul dinshah era**

**Mehdi Mirkiaei\***

### **Abstract**

The " Sandogh-e Edalat ", which was later renamed the " Majlese tahgige mazalem ", is an institution established in the Nasser- ul dinshah era for the Shah to handle the people's petitions., while the Shah's seriousness in studying petitions from the beginning to the end of his reign increases the possibility of its various functions. Our question is, what was the role of the " Majlese tahgige mazalem " in the Shah's relations with the governors and other dominant groups in the provinces, as well as the heads of central government departments? Also, what does the Shah benefit from the communication he established with the people with the help of this institution, apart from propaganda? Our assumption is that the Qajar court used these petitions to obtain a more accurate picture of the governing style of the provinces. He also tried to prevent the heads of central government departments from colluding with the provincial government with the news he received from these petitions. These conspiracies were both politically and economically harmful to the Shah. On the other hand, petitions caused the masses to seek help from the Shah when they were exploited by the dominant groups and to have no incentive to strengthen the popular groups. The strengthening of these groups and factions was not in the interest of the government. The theoretical framework of the research is

\* Assistant Professor of History, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran,  
mehdimirkiaei@atu.ac.ir

Date received: 24/08/2021, Date of acceptance: 21/12/2021



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

derived from Patricia Crohn's view in describing the structure of pre-modern governments and power relations at that time.

**Keywords:** Nasser- ul dinshah era, Majlese tahgige mazalem, Arayz-e 'ämme, Sandogh-e Edalat.

## تأثیر نهاد «مجلس تحقیق مظالم» بر مناسبات قدرت در عصر ناصری

مهدی میرکیایی\*

### چکیده

مجلس تحقیق مظالم نهادی است که در عصر ناصری برای رسیدگی شخص شاه به عرایض و تظلمات عامه مردم تأسیس شد. عموماً انگیزه دولت قاجاریه از راه‌اندازی چنین نهادی را به تلاشی جهت برساختن تصویر شاهنشاه دادگستر از ناصرالدین شاه تقلیل داده‌اند؛ درحالی که جدیت شاه در مطالعه عرایض در طول چند دهه و حتی تداوم فعالیت این نهاد در عصر مظفری، احتمال وجود کارکردهای متنوع آن را برای دولت قاجاریه بیشتر می‌کند. پرسش ما این است که نهاد مجلس تحقیق مظالم چه کارکردی در روابط شاه با حکام و سایر گروه‌های مسلط در ولایات و همچنین دیوان سالاران حکومت مرکزی داشت؟ و در ارتباط شاه با مردم به واسطه این نهاد، افزون بر نمایش عدالت گستری شاه، چه منافعی برای دربار نهفته بود؟ فرض ما این است که دربار قاجاریه از این عرایض برای دست یابی به تصویری دقیق تر از شیوه حکمرانی در ولایات بهره می‌برد و از آزادی عمل حکام و سایر گروه‌های مسلط در آن مناطق می‌کاست. همچنین با اخباری که از این عرایض به دست می‌آورد تلاش می‌کرد از تبانی دیوان سالاران حکومت مرکزی با حکومت ولایات که می‌توانست برای شاه از هر دو منظر سیاسی و اقتصادی بسیار مخرب باشد جلوگیری کند. از سویی عریضه نگاری‌ها سبب می‌شد توده‌های مردم در مواجهه با بهره‌کشی‌های نخبگان حاکم، پیش از آن که به تقویت پیوندهای افقی در میان

\* استادیار گروه تاریخ، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، mehdimirkiaei@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۳۰



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

یک‌دیگر بیندیشند در فکر برقراری پیوند عمودی با رأس هرم قدرت یا شاه باشند و به این ترتیب از اندیشه نیرومند ساختن پیوندهای افقی که می‌توانست به وزنه جدیدی در معادلات قدرت تبدیل شود و قدرت شاه را بیشتر به چالش بکشد منصرف شوند. روش پژوهش توصیفی-تیینی با استفاده از اسناد درجه اول به ویژه عرایض مجلس تحقیق مظالم در عصر ناصری است. چهارچوب نظری پژوهش برگرفته از دیدگاه پاتریشیا کرون در توصیف ساختار حکومت های پیشامدرن و مناسبات قدرت در آن دوران است.

**کلیدواژه‌ها:** عصر ناصری، مجلس تحقیق مظالم، عرایض عامه، صندوق عدالت.

## ۱. مقدمه

«صندوق عدالت» که پس از مدتی به «مجلس تحقیق مظالم» تغییر نام داد نهادی است که معمولاً انگیزه تاسیس آن را به تلاش ناصرالدین شاه برای ساختن تصویر شاهنشاه دادگر و عدالت گستر از خود فروکاسته‌اند و به خطا آن را برنامه‌ای کوتاه مدت و شکست خورده فرض کرده‌اند؛ درحالی که تداوم فعالیت این نهاد که حتی در عصر مظفری نیز برقرار ماند نشان از نقش درخور تأمل و کارکردهای متنوع آن در دربار قاجاریه دارد. یکی از علل توصیف حداقلی از کارکرد چنین نهادهایی، تصور نادرست و ناقص از ساختار حکومت‌های پیشامدرن و روابط قدرت در آن دوران است. در تلقی عمومی از این حکومت‌ها، قدرت فرمانروا مطلق فرض می‌شود که گاه برخی از نمایندگان سنت هم‌چون روحانیان برجسته مذاهب می‌توانند آن را به چالش بکشند. با تقلیل مناسبات قدرت به چنین وضعیتی، بسیاری از جزئیات روابط دربار با سایر گروه‌های ذی نفوذ، ارباب قدرت و نخبگان حاکم به ویژه در مناطق دور از مرکز حکومت مغفول می‌ماند. در این تصویر ناقص، مشخص نیست که با ضعف ارتباطات و دشواری حمل و نقل در جهان پیشامدرن، حکومت‌ها چگونه می‌توانستند نظارت دقیق و دائمی بر سراسر قلمرو گسترده خود داشته باشند؟

این پژوهش با بهره‌گیری از دیدگاه پاتریشیا کرون (Patricia Crone) درباره حکومت‌های پیشامدرن و توصیف ساختار شکننده آنها تلاش می‌کند به این جزئیات از هندسه قدرت در آن دوران پرتوی بیندازد و یکی از تدابیر دربار قاجاریه را برای غلبه بر این ضعف عمومی مورد بررسی قرار دهد و طی آن به این پرسش‌ها پاسخ دهد: نهاد مجلس تحقیق مظالم چه کارکردی در روابط شاه با حکام و سایر گروه‌های مسلط در

ولایات در ایران عصر ناصری داشت؟ و در ارتباط شاه با مردم به واسطه این نهاد چه منافعی برای دربار نهفته بود؟ همچنین شکل گیری این نهاد چه تاثیری بر روابط شاه با دیوانسالاران حکومت مرکزی و نیز مناسبات این دیوانسالاران با حکام ولایات داشت؟ فرض ما این است که دربار قاجاریه در گام نخست از این عرایض برای دست یابی به تصویری واضح تر و دقیق تر از ولایات و طرز حکمرانی حکام بهره می برد. در گام بعدی تلاش می کرد با اخباری که از این عرایض به دست می آورد از تبانی دیوان سالاران قاجاریه با حکومت ولایات که می توانست برای حکومت مرکزی از هر دو منظر سیاسی و اقتصادی بسیار مخرب باشد جلوگیری کند. هر دوی این نتایج، ثمره دیگری را برای شاه به ارمغان می آورد و آن کاستن از اقتدار و نفوذ سایر ارباب و حاملان قدرت در ولایات بود. از سویی عریضه نگاری ها سبب می شد توده ها در مواجهه با بهره کشی های گروه های مسلط، پیش از آن که به تقویت پیوندهای افقی در میان یکدیگر بیندیشند در فکر برقراری پیوند عمودی با رأس هرم قدرت یا شاه باشند و به این ترتیب از اندیشه نیرومند ساختن پیوندهای افقی که می توانست به ویژه جدیدی در معادلات قدرت تبدیل شود و قدرت شاه را بیش تر به چالش بکشد منصرف شوند. این نهاد همچنین این امکان را در اختیار شاه و توده ها قرار می داد که بدون واسطه شدن حکام، با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. این وضعیت هم بهره کشی گروه های مسلط از توده ها را تعدیل می کرد و هم بخشی از نگرانی های شاه را درباره سوء استفاده های سیاسی و اقتصادی حکام ولایات از توده ها کاهش می داد.

روش پژوهش توصیفی-تبیینی با تکیه بر اسناد و مدارک درجه اول به ویژه عرایض مجلس تحقیق مظالم در عصر ناصری است. پیش از این، پژوهشگران تاریخ عصر ناصری، عموماً در ضمن سایر پژوهش ها به مجلس تحقیق مظالم نیز اشاراتی گذرا داشته اند. ونسا مارتین تنها به این نکته اشاره می کند که این نهاد برای جلوگیری از اعمال خودسرانه حکام ولایات تأسیس شد (مارتین، ۱۳۸۷: ۴۹) و فریدون آدمیت نیز به این نکته بسنده می کند که «از نظر دستگاه قضایی و اجرای عدالت قانونی بازیچه ای بیش نبود» (آدمیت، ۱۳۷۸: ۴۱۴). عباس امانت نیز طی چند جمله، شکل گیری این نهاد را به «عدم اعتماد شاه به وزیرانش» و تلاش او برای «شکستن سد دیوان سالاری» منسوب می کند (امانت، ۱۳۸۵: ۵۱۶). علی گل محمدی نیز در مقاله ای با عنوان «صندوق عدالت، تداوم سنت یا زمینه ساز تجدد» در کنار تشریح فرایند شکل گیری صندوق عدالت و مجلس تحقیق مظالم و نیز برخی کارکردهای آن، بیشتر تلاش کرده است

بین عرایضی که به این نهاد ارسال می شد و عرایضی که در آغاز عصر مشروطیت به مجلس شورای ملی می رسید ارتباطی را بیابد (گل محمدی، ۱۳۹۷: ۱۰۸). او نیز در نهایت، کارکرد اصلی این نهاد را مشروعیت بخشی به ناصرالدین شاه به عنوان پادشاهی دادگستر می داند (گل محمدی، ۱۳۹۷: ۱۰۹). این پژوهشگران به تاثیرات این نهاد در مناسبات قدرت آن روز ایران و تاثیری که در بازآرایی مثلث شاه، مردم و نخبگان حاکم در ولایات داشت نپرداخته اند.

## ۲. دیدگاه نظری

پاتریشیا کرون در کالبدشکافی جامعه‌های ماقبل صنعتی، بخش قابل توجهی را به توصیف مناسبات قدرت در جهان پیشامدرن اختصاص داده است. از نظر او حکومت های پیشامدرن ساختار شکننده‌ای داشتند و این شکنندگی ناشی از ضعف در «هماهنگ کردن نیروها، هدایت آنها و نظارت» بود (کرون، ۱۳: ۷۹). به بیان کرون این ضعف ناشی از سه علت بود: کمبود سرمایه و امکانات، دشواری حمل و نقل و فقدان وسایل ارتباطی و خبررسانی پیشرفته (همان: ۷۹). پیشرفته نبودن سامانه‌های ارتباطات و خبررسانی باعث می شد «حاکمان همواره از اوضاع دقیق مملکت بی خبر باشند [...] و حتی وقتی اطلاعات دقیقی به آنها می رسید قادر نبودند واکنشی به موقع و مناسب نشان دهند» (همان: ۸۲). به این ترتیب قدرت این حکومت ها به ویژه در مناطق دور از مرکز، با دو معضل دائمی دست به گریبان بود: عمق نداشت و استوار نبود (همان: ۱۱۰). ضعف حکومت‌های پیشامدرن در نظارت بر نیروها و هدایت آنها نقشی بسیار مهم در نحوه ارتباط با افراد تحت حاکمیتشان داشت و در واقع «ماهیت این رابطه را تعیین می کرد» (همان: ۷۹).

نکته مهم اینجاست که مجموعه این عوامل باعث می شد قدرت فرمانروای پیشامدرن واقعا «مطلق» نباشد: «آنها به ندرت در موقعیتی بودند که قادر باشند کارگزاران یا عامه مردم تحت حاکمیت خود را به گونه‌ای تام و تمام مهار و محدود کنند» (همان: ۸۹). درباره راه‌های مختلفی را برای نظارت بر مقامات محلی می آزمودند اما «هیچ گاه نظارت دقیق بر امور دور از مرکز امکان پذیر نبود» (همان: ۹۰).

اما قدرت شاه را تنها حکام و نخبگان محلی محدود نمی کردند بلکه گاه شبکه‌ها و محافلی در درون یا حاشیه دربار شکل می گرفت که می توانست بر تصمیم گیری‌ها و

تصویری که او از اوضاع کشور داشت تأثیر بگذارده. قدرت درخور اعتنایی که در مرکز کشور در اختیار شاه بود «امتیاز بزرگی برای کسانی فراهم می‌کرد که به آسانی به او دسترسی داشتند» (همان: ۱۱۶). اما این افراد هم بدون شبکه‌های پیچیده‌ای که درون دربار ایجاد می‌کردند امکان فعالیت نداشتند و پشت سر اغلب آنها تشکیلاتی گسترده وجود داشت که باشگاه قدرت را درون دربار پدید می‌آورد. در نتیجه از توده‌ها و عامه مردم گرفته تا نخبگان محلی به افراد ذی نفوذ دربار متوسل می‌شدند و همین امر بر نفوذ این افراد در جامعه و توان شبکه گسترده‌ای که پشتیبانشان بود می‌افزود (همان: ۱۱۷) و رقیبی دیگر برای قدرت به ظاهر مطلق شاه به شمار می‌رفت.

در این میان آنچه اسباب نگرانی بیشتر رأس هرم حکومت یا شاه را فراهم می‌کرد همراهی و همکاری این دو نیروی تهدید کننده بود. یعنی نخبگان و حکام محلی از یک سو و حواشی دربار و دیوانسالاران حکومت مرکزی از سوی دیگر. گروه نخست به منابع اصلی ثروت که در اکثر جوامع پیشامدرن بخش اعظم آن را زمین های کشاورزی تشکیل می‌داد دسترسی داشتند و گروه دیگر به دفتر و دیوان دربار که می‌توانست تصویری از میزان ثروت نخبگان محلی را آن گونه که خود می‌خواست به شاه ارائه دهد. این دو گروه با تبانی، حجم انبوهی از مازاد تولید کشاورزان را پیش از رسیدن به دربار می‌بلعیدند و دست شاه را از بخش بزرگی از ثروتش کوتاه می‌کردند. این وضعیت به‌ویژه ناشی از بی‌ثباتی مناصب و مقامات در حکومت های پیشامدرن بود که ماندگاری آنها تنها وابسته به رأی و نظر شخص شاه بود و سبب می‌شد «همه مقامات در سطوح مختلف کمابیش به شیوه‌ای عمل کنند که اصطلاحاً (حکومت مبتنی بر غارت) نام گرفته است» (همان: ۱۰۸). صاحبان مناصب در این وضعیت سعی می‌کردند «پیش از آن که اختر اقبال شان افول کند و منصب خود را از دست دهند طلا و نقره ذخیره کنند...» و امتیازهای بیشتری به دست آورند. بدین سان کل تشکیلات و نظام سیاسی دچار فساد می‌شد» (همان: ۱۰۸).

در کنار محافل مختلف نخبگان که قدرت شاه را به چالش می‌کشید برخی پیوندهای افقی بین عامه مردم نیز ممکن بود به پدید آمدن نیروهایی تهدید کننده برای دربار بینجامد. به بیان کرون، حکومت در جوامع پیشامدرن عملاً «حکومتی حداقلی» بود (همان: ۱۱۰) و بسیاری از وظایف حکومت های مدرن را به عهده نمی‌گرفت. به همین علت وضعیت

جامعه «به گونه‌ای بود که همواره فضایی برای قدرت نمایی گروه‌های خودسامان وجود داشت. این گروه‌ها اساساً بر پایه همیاری شکل می‌گرفتند و بیشترین وظایف امروزی حکومت و نهادهای دولتی را بر عهده داشتند» (همان: ۱۰۰).

این گروه‌ها ممکن بود در قالب اصناف، انجمن‌های مخفی، محافل، سازمان‌های فرقه‌ای یا حتی خانواده‌های بزرگ و عشیره‌ها نمایان شوند. «مهم‌ترین حسن این گروه‌های هم بسته، آن بود که با برقراری نظم میان اعضای خود، جبهه واحدی را شکل می‌دادند.» (۱۰۵). حکومت‌های پیشامدرن همواره به این گروه‌های هم بسته، بدبین و از تقویت آن‌ها بی‌مناک بودند. چون «حکومت ضریب نفوذ عمیقی در جامعه نداشت» (همان: ۱۰۸) تلاش می‌کرد توده‌ها را در وضعیت «عدم انسجام» و از نظر سیاسی «منفعل» نگه دارد (همان: ۱۰۹). نیرومند شدن پیوندهای افقی در میان مردم، در کم‌خطرترین وضعیت برای حکومت، می‌توانست امکان چانه زنی آنها را با ارباب قدرت بیشتر کند و در بدترین حالت ممکن بود به سازمان دهی مخالف‌های گسترده و شورش‌های بزرگ منتهی شود (همان: ۱۳۵).

به این ترتیب، مهار همه‌این نیروها از گروه‌های مسلط در ایالات گرفته تا دیوان سالاران فاسد و توده‌هایی که ممکن بود با تقویت پیوندهای افقی به دنبال ایجاد وزنه‌ای تازه در هندسه قدرت جامعه باشند به دغدغه دائمی حکومت‌های پیشامدرن تبدیل می‌شد که هر یک تلاش می‌کردند چاره‌ای برای آن بجویند و توان اعمال اراده دربار را تا نقاط دوردست و عمق جامعه پیش‌تر کنند.

### ۳. دریافت تصویری واضح‌تر از شیوه حکمرانی در ولایات و کاستن از اختیارات ارباب قدرت

دریافت اخبار صحیح و دقیق از وضعیت ولایات دور از مرکز از دغدغه‌ها و نگرانی‌های دائمی حکومت‌های پیشامدرن بود. در فرمانی که ناصرالدین شاه جهت فرونشاندن شعله‌های فتنه شیخ عبید در آذربایجان به عنوان میرزا حسین خان سپهسالار صادر کرده است این دلمشغولی و عصبانیت از بی‌اطلاعی از اوضاع ولایت کاملاً مشهود است. او پس از توصیف آشفتگی امور آذربایجان می‌نویسد: وضع آذربایجان این بود و هست و ماها در تهران بالمره بی‌خبر و همه به‌اشتباه می‌گذشت (صفایی، ۱۳۵۵: ۱۳). این تصویر



تأثیر نهاد «مجلس تحقیق مظالم» بر مناسبات قدرت ... (مهدی میرکیایی) ۳۰۱

مبهم از طریقه حکمرانی حکام ولایات مشکل دیگری را نیز پدید می آورد؛ فضای مناسبی برای شایعه پراکنی، توطئه و دسیسه گری برای به زیر کشیدن حاکمان و رقبا ایجاد می کرد؛ وضعیتی که شاه را ابزار دست توطئه گران می ساخت و همین نکته نیز بر نگرانی های او می افزود.

رعایای تولم گیلان در عریضه ای به شاه اطلاع می دهند حاکم با آن که دربار را به تخفیف در مالیات مجاب کرده بود همه مالیات را از آنها مطالبه می کند:

پارسال حاصل این جا به کلی سوخت کرد. حاکم آمد، بازدید کرد. علی الحساب هزار تومان تخفیف دادند و مابقی را به ای نحو کان پرداختیم. امسال که از پارسال حال این محل سخت تر و حاصل کمتر است چهار هزار تومان مالیات هذله السنه و هزار تومان تخفیف پارساله و یک هزار تومان باقی قلمدادی ضیاءالملک را از ما می خواهند و به مأمورین غلاظ و شداد مطالبه می کنند (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۳۲۴).

شاه در ذیل عریضه می نویسد:

به حاکم بنویسید هشت هزار تومان به اسم تخفیف خالصه جات گیلان به خرج آمده است. چرا این ها را از تخفیف محروم داشته است؟ به علاوه در نیلان نیل و لوی نیل هم سالی پنج-شش هزار تومان علاوه بر آن هشت هزار تومان داده شده است. معلوم می شود که تخفیف دیوان را به اینها نداده است که این طور اظهار تظلم دارند. البته زود برساند.

همین اخبار است که شاه را بیش از گذشته به حکام ظنین می کند، به میرزا یوسف خان مستوفی الممالک می نویسد:

تخفیف که امسال به گیلان داده اید من به هیچ وجه اطمینان ندارم که این تخفیف به رعیت جزء، ده به ده، رسیده باشد. چرا باید این قدر ضرر به ما بخورد و به رعیت جزء نرسد؟ شما باید تدبیری و کاری بکنید که من خاطر جمع شوم این تخفیف به رعیت جزء دهات رسیده است (سعیدی، ۱۳۸۸: ۷۳)

و با تکیه به همین اخبار برگرفته از عرایض است که شاه فقط در ولایت فارس بین سال های ۱۲۹۲ تا ۱۳۰۰ هجری قمری چهار تن از مقامات را معزول می کند (سعیدی سیرجانی، ۱۳۶۱: ۲۰؛ ۲۵؛ ۱۹۳). محمد حسن خان دولو حاجب الدوله،

فرش باشی ناصرالدین شاه، این عرایض را وسیله ای برای آگاهی شاه از تمام جزئیات امور مملکت می داند (گل محمدی، ۱۳۹۷: ۱۰۶).

جدول ۱ دربردارنده اطلاعاتی است که شاه توانسته از شیوه حکمرانی ولایات از عریضه های گوناگون برداشت کند. این عریضه ها بیشتر به تعدی حکام و سایر گروه های مسلط به رعایا و نیز تلاش حاکمان ولایات برای فریفتن دربار ناظرند.

جدول ۱

شماره سند	عریضه نویسندگان	موضوع	لب عریضه
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره ۰۴۹	رعایای فریه کهورز نهادند	دریافت جریمه توسط حاکم	عمله اصطیل مبارکه [...] دو رأس گوسفند ما را بردند، چند نفر رفتند پس بگیرند، چهار نفر رعیت را در چمن نگاه داشته اند. پانزده تومان جریمه گرفته اند. محمد ابراهیم خان، نایب الحکومه نهادند، پانزده روز ما را حبس کرد و چهل تومان جریمه می خواهد و سند گرفته که ده روزه بدیم.
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره ۰۷۴	رعایای نهادند	ضبط اموال مسروقه توسط حاکم	حکومت چند نفر سارق گرفته، به اعتراف خود سارقین برکه مال ما از مأخوذات از آنها برآمده بود. جمیع اموال را حاکم ضبط و دو نفر سارق را حبس نمودند و به عرض ما اعتنا نکردند.
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره ۰۷۵	سادات همان	شرارت توپچیان	شرارت و هرزگی توپچیان از حد گذشته و احدی را جرأت عرض تظلم نیست.

تأثیر نهاد «مجلس تحقیق مظالم» بر مناسبات قدرت ... (مهدی میرکیایی) ۳۰۳

از تعدیات اسماعیل پاشا، مباشر میزان، همه روز به اولیای دولت علیه عارض شده‌ایم. چندی قبل، حضرت اجل اکرم به جناب امین السلطان امر فرمودند که دفع ظلم از ما بیچارگان بکنند. مأموری فرستادند. او هم رفت، چند روزی در خانه اسماعیل پاشا ماند و هیچ کاری نکرد.	تعدی مباشر	کسبه خوری	کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره ۱۹۹
از بدعت های سعادلوله‌ان که بر جماعت مکاری که در هیچ دولت و هیچ زمان، باج و خراجی نداشته‌اند، مالیات بسته، در خروج و دخول از هر مالی ده شاهی می‌گیرند.	بدعت در مالیات	حسن مکاری	کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره ۰۸۵
جناب مشیرالسلطنه در مظلومیت سادات و اعمال شنیعه که درباره سیده وارد آمده اطلاع کامل دارند. مع هذا محال است که حاکم از یک دینار چشم پوشیده، حکم مبارک را اجرا دارند.	علم برای حکم شاه	سادات خلخال	کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره ۱۳۶
حاجی میرزا محمد علی [...] با بهاء السلطنه قرب هم جواری به هم رسانده، جمیع اصل و فرع مالیات را به اسم خود برات گرفته و در هر کوره راهی ده بیست نفر سرباز و یک صاحب منصب گماشته، تومانی دو ریال از نقد و خرواری شش تومان قیمت غله و دو تومان و پنج هزار قیمت کاه، به ضرب چوب می‌گیرند. حتی داروغگی ولایت را هم به سرباز سپرده.	تعدی در دریافت مالیات	رعایای شاهرود و بسطام	کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره ۲۰۵
مالیات بنده، حسب المعمول، پانصد و پنجاه تومان است. فضل الله خان در سال، دو بیست سیصد تومان اجحاف کرده و دیناری از تخفیف مرحمتی به من نداده.	حذف تخفیفی که دیوان در مالیات در نظر گرفته بود	میرزا رفیع ورکایی از لاهیجان	کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره ۲۰۲

<p>چهار هزار تومان مطالبات از نصرالله خان بیگدلی دارم و چون اعتضاد الدوله حمایت از او می‌نماید، لاوصول مانده است. عرض دیگر این که سه دانگ نصرت آباد را مستأجر جناب امین السلطان اجاره کرده. نه وجه را می‌دهد، نه ملک را وا می‌گذارد. مرحوم امیرنظام شوهرم را از منصب و موجب موروثی انداخته، به یوسف بیگ مترجم دادند. یک باب خانه در قزوین اجاره داده‌ام، از اخذ وجه یا تخلیه ید عاجزم. به حسن خان، سرتیپ قزاق، دو بیست تومان قرض دادم، نمی‌توانم بگیرم.</p>	<p>عدم پرداخت مطالبات</p>	<p>عیال فتح الله خان از حضرت عبدالعظیم</p>	<p>کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره ۲۸۸</p>
<p>شاهزاده ابراهیم میرزا [...] ششصد تومان مالیات دیوانی جان نثاران است. دو مقابل دریافت کرده.</p>	<p>دریافت مالیات اضافه</p>	<p>رعایای فریه سال خلخال</p>	<p>کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره ۱۵۱</p>
<p>دو سال قبل، نور علی و داداش علی نام، کربلایی علی رعیت غازی باقی را کشته‌اند، باید آن‌ها را گرفته، اجرای حکم نمایند. حالا حیدرخان که مأمور این کار است از من مطالبه خدمتانه می‌کند.</p>	<p>دریافت خدمتانه</p>	<p>حاجی حسین، مالک فریه غازی باقی زینجان</p>	<p>کتابخانه دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره ۰۳۰</p>
<p>[امین دیوان] فرستاده است به محل، موجب سرباز را بگیرند به حکومت پیشکش بدهد. برای بیست تومان حواله، چهار تومان خدمتانه می‌گیرند.</p>	<p>پرداختن موجب سربازان، دریافت خدمتانه</p>	<p>هزار جریب اهالی چهار دانگه مازندران</p>	<p>کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره ۱۰۱</p>
<p>مبلغ شصت تومان فروش کردم، سید ابراهیم نام سبزی فروش، پول را برده؛ چون بستگی با نایب عبدالرزاق دارد، کسی پول چاکر را از او مطالبه نکرد.</p>	<p>حمایت از سارق</p>	<p>محمود نخود بریز از کاشان</p>	<p>کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره ۲۳۰</p>

تأثیر نهاد «مجلس تحقیق مظالم» بر مناسبات قدرت ... (مهدی میرکیایی) ۳۰۵

<p>مکرر عریضه به خاک پای همایونی روحنا فداه عرض نموده‌ایم که پنج باب دکان کمینه را رضا سلطان به زور تصرف نموده. حکم صادر شد که حاکم خمسه گرفته، مسترد نماید، مجری نکردند؛ چون مدعی صاحب مال است و این فقرا چند نفر زن پیر عجوزه و پریشانیم.</p>	<p>تصرف عدوانی پنج باب دکان</p>	<p>خررده خانم و چهار نفر همسرانش از زینجان</p>	<p>کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند ۲۳۷</p>
<p>تیمور میرزا که از اشرار ولایت است، به یحیی میرزا [نایب الحکومه] پیشکش داده، پیشخدمت باشی او شده است و به این وسیله دست تعدی بر آحاد افراد ولایت دراز کرده.</p>	<p>همدستی حاکم با شور و ولایت</p>	<p>گوهر ملوک خانم، نواده شیخ الملوک</p>	<p>کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره ۰۹۲</p>
<p>چند مرتبه از تعدیات حاجی محسن خان حاکم تظلم نمودیم که شصت هزار تومان مالیات ما را دویست هزار تومان می‌گیرد.</p>	<p>مالیات اضافه</p>	<p>رعایای لرستان</p>	<p>کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره ۱۷۳</p>
<p>شیخ الاسلام به عضدالدوله رشوه داده، متعرض این ملک موروثی که مرافعات شده و احکام صادر گردیده می‌شود.</p>	<p>ارتشا</p>	<p>حاجی ملا محمد تقی از ملاپور</p>	<p>کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره ۱۵۷</p>
<p>از پسر مرحوم وزیر دول خارجه، بیست و هشت تومان از بابت ملکی که مرحوم وزیر از پدرم خریده و پولش را نداده، طلب دارم. احکام عدیده از حضرت صدارت عظمی صادر شده است که احقاق حق شود. طرف مقابل، مردی متمول و پر زور است و من شخصی فقیر و بی بضاعتم.</p>	<p>علم برداشت نهایی زمین</p>	<p>میرزا ابراهیم شمیرانی</p>	<p>کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند ۱۱۹</p>
<p>[شاهزاده] محمد کریم میرزا، پسر جوان بخت میرزا، تعدی نموده و ملک ما را غصب کرده است.</p>	<p>تصرف عدوانی زمین</p>	<p>زین العابدین از رعایای کنگاور</p>	<p>کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند ۰۷۵</p>

<p>قاسم، بیگ قراسوران و حیدرعلی، داروغه بازار، برادر من را کشتند. چون حاکم عادل در کنگاور نبود احقاق حق نشد و به همین واسطه قاتلین معروض شده، یک سال بعد از آن پسر مرا هم کشتند و تاکنون هرچه دادخواهی کرده‌ام احدی دادرسی نمی‌کند.</p>	<p>تاریخ: ۱۳۷۳ مکان: کنگاور</p>	<p>کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره ۱۴۷</p>
---	-------------------------------------	--

همان طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود این عرایض علاوه بر اطلاعاتی که از وضعیت ولایات و روش حکمرانی حکام به دست می‌دهند طیف متنوعی از گروه‌های ذی‌نفع را هدف قرار داده، خواستار مهار آنها از سوی دربار شده‌اند؛ امری که نشان از کارکرد ویژه نهاد مجلس تحقیق مظالم در بازآرایی مناسبات و روابط قدرت در جامعه ایران در آن دوران دارد؛ به ویژه آن که دربار اصرار داشت نتیجه‌این عریضه‌نگاری‌ها و فرمان‌هایی که شاه در ذیل آنها صادر می‌کرد به حکومت مرکزی منعکس شود؛ گزارشی که تحت عنوان «رپورت انجام عرایض متظلمان ولایات» به رویت شاه می‌رسید.

شاه روش‌هایی را برای راستی‌آزمایی این عریضه‌ها داشت؛ از جمله اعزام فردی به ولایت برای تحقیق. چنان که هنگامی که با شکایت فوج خرقان از اللهیارخان آصف‌الدوله مواجه می‌شود به میرزا یوسف خان مستوفی المالک می‌نویسد: «البته آدم درست زود روانه تحقیق مطلب بکنید. البته آدم بفرستید و تحقیق بکنید. اگر شکایتشان با جا و صحیح است معلوم است اللهیارخان نباید دخیل عمل فوج و ولایت باشد [...] البته آدم درست زود روانه تحقیق مطلب بکنید» (سعیدی، ۱۳۸۸: ۳۳). مکاتبه‌ای نیز که از میرزا حسین خان سپهسالار به‌جامانده به‌اجرای فرمان شاه برای اعزام فردی به جوانرود اشاره دارد:

برای رفتن به جوانرود و تحقیق رفتار محمد پاشا خان جاف و کسان او با اهل جوانرود و توقف در آنجا تا پاییز [...] جواد بیک را که سابقاً هم در خدمت وزارت خارجه بوده است با دستورالعمل کافی حاضر کرده‌ام که برود (عباسی، ۱۳۷۳: ۱۶۲).

اهتمام شاه به خواندن عرایض به دوره‌ای که صندوق عدالت و مجلس تحقیق مظالم تاسیس شد، محدود نبوده‌است؛ در مکاتبه‌ای که از میرزا تقی خان امیرکبیر با شاه به جا مانده به عریضه‌ی یکی از سربازان فوج ششم مشهد اشاره می‌شود (آل داود، ۱۳۸۴: ۹۲). اصرار شاه بر برقرار ماندن این خط ارتباط با رعایا، بدون دخالت ارباب قدرت در ولایات،

شاهدی است بر آن که این ارتباط از ضرورت های حکومت او بوده، کارکردی بیش از تصویرسازی از او به عنوان یک فرمانروای دادگر داشته است. در فرمانی در سال ۱۲۸۲ هجری قمری خطاب به سه تن از وزرا، میرزا یوسف خان مستوفی الممالک، میرزا جعفر خان مشیرالدوله و میرزا محمدخان سپهسالار می نویسد: «صندوق عدالت را نمی توان متوقف کرد. [...] وزیر دیوانخانه به عرض برساند که عرایض مردم چطور به اتمام می رسد» (جعفری مذهب، ۱۳۸۸: ۲۵). همچنین در نامه ای به میرزا علی رضاخان عضدالدوله قاجار بر اهمیت رسیدن این عرایض به دربار تاکید می کند که به یاری آن ها «بی واسطه حال رعیت را بدانیم» (گل محمدی، ۱۳۹۷: ۹۹).

بنا به دیدگاه کرون، آن چه به طور دائم قدرت پادشاهان پیشامدرن را تهدید می کرد اختیارات، آزادی عمل و قدرت قابل توجه مقامات محلی بود. آنها در برخی موارد مقرراتی را که دلخواهشان بود وضع می کردند، از انجام فرمان های شاه سر باز می زدند و با همراهی سایر گروه های مسلط همچون ملاکان و صاحب منصبان قشون اسباب حکمرانی مستبده ای را در حوزه فرمانروایی خویش فراهم می آوردند. به این ترتیب، توده هایی که در سایه این حکومت ها و سایر نخبگان مسلط می زیستند و بیشترین نارضایی را از وضع موجود داشتند می توانستند به متحدی تاکتیکی برای دربار تبدیل شوند و با ارسال عرایض خود، در مهار خودسری ارباب قدرت در ولایات، به حکومت مرکزی یاری رسانند. کاستن از قدرت روزافزون حاکمان ولایات و سایر گروه های فرادست، دلمشغولی مشترک شاه و توده ها بود و هر دو طرف از کاهش اختیارات مقامات محلی و گروه های ذی نفوذ منتفع می شدند.

اما شاهد دیگری مبنی بر اینکه شاه به عریضه ها به چشم ابزاری برای محدود کردن حکام ولایات نگاه می کرد بی توجهی او به تمام عرایضی بود که در تایید و ستایش حکمرانی آنها به مجلس تحقیق مظالم می رسید. شاه روی تمام این عریضه ها نُهیه (علامتی شبیه عدد ۹ به معنای عدم پذیرش درخواست عارض) کشیده است؛ همچون این عرایض از اهالی همدان در تایید حکومت عزالدوله: «تجار همدان: این عریضه مشتمل است بر اظهار رضایت کامل از وضع حکومت نواب عزالدوله و وحشت از تغییر حکومت» (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره ۱۱۶). «عریضه بعضی اهالی همدان: این عریضه مبنی بر این است که حکومت نواب عزالدوله

مبتنی بر عدل و داد و حساب است و شکایت شاکین از روی غرض و عناد (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره ۱۱۶).

همچنین عریضه ای از توابع رشت که در تایید حاکم وقت ارسال شده و عریض معترض به او را به حاکم قبلی منسوب کرده است: «هر روز به عریض مجعوله و امهار مجهوله، عرض های خلاف واقع، معروض اولیای دولت همایونی می دارد که امان الله خان را که حاکمی با اعتدال است خلع نماید و حال آن که این فقرا کمال رضامندی را از او داریم» (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره ۰۹۹) و عریضه ای مشابه از بارفروش: «از تعدیات عباسقلی خان، حاکم اسبق خود، و حسن سلوک حکومت حالیه اظهار امتنان نموده اند و اظهار داشته اند که عباس قلی خان به عریض مجعوله پرداخته، می خواهد عیاذاً بالله باری دیگر به حکومت بارفروش منصوب شود. مستدعی آن که عریض مجعوله را محمول بر صدق ندانسته، تغییر حکومت را روا ندارند (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره ۰۲۶).

پیداست که شاه نه اجازه می داد نهاد «مجلس تحقیق مظالم» عرصه همچشمی رقبای محلی برای کسب مناصب و حکومت شود، نه مایل بود این عریض که ابزاری در دست او و توده ها با منافی مشخص برای طرفین بود مجالی را برای بهره برداری حکام ولایات فراهم آورد.

#### ۴. برانداختن تبانی دیوان سالاران با گروه‌های مسلط در ولایات

آن چه بیش از بی اطلاعی از وضعیت ولایات می توانست اسباب نگرانی شاه شود تبانی دیوان سالاران و حواشی دربار با نخبگان حاکم در ولایات اعم از حاکم، صاحب منصبان قشون، مباشران زمین های خالصه، ضباطان تیول و ... بود. این تبانی و داد و ستد می توانست شاه را از بخش بزرگی از درآمدهایش محروم کند و افزون بر آن ائتلافی را بین دو دسته از ارباب قدرت که هر یک مانعی بر سر اعمال قدرت به ظاهر مطلق شاه به شمار می رفتند پدید آورد.

در این میان، برخی از عریض رعایا از این همدستی ها پرده برمی داشت و به شاه برای برانداختن این تبانی ها یاری می رساند.



تأثیر نهاد «مجلس تحقیق مظالم» بر مناسبات قدرت ... (مهدی میرکیایی) ۳۰۹

به جز عرایض، در برخی گزارش های ناظران همان عصر نیز به این همداستانی ها برای دور نگه داشتن شاه از واقعیت ولایات اشاره شده است.

محمد حسن خان اعتماد السلطنه در روز نامه خاطراتش به مجتهدی بروجردی به نام شیخ عبدالرزاق اشاره می کند که برای شکایت از نایب الحکومه بروجرد به تهران آمده بود و میرزا علی اصغرخان امین السلطان با حيله ای او را از شهر بیرون می کند؛ اما شاه پس از اطلاع از ماجرا او را به تهران بر می گرداند (اعتماد السلطنه، ۱۳۷۱: ۵۹۹).

کلنل کاساکو فسکی، فرمانده بریگاد قزاق در پایان عصر ناصری و آغاز عصر مظفری، نیز از حضور تعدادی از اهالی خار و ورامین در تهران می نویسد که تقاضای تغییر نایب الحکومه را داشته اند. به گفته کاساکوفسکی میرزا عبدالحسین خان فرمانفرما از اعتراض آن ها و امکان بازخواست شاه پریشان شده بود چون به تازگی دو هزار تومان از این حاکم برای انتصاب او گرفته بوده است (کاساکوفسکی، ۱۶۸: ۱۳۵۵).

عرایضی که در جدول ۲ آمده از این تبانی ها پرده برمی دارند:

جدول ۲

شماره سند	عریضه نویسندگان	تبانی کنندگان	موضوع	لب عریضه
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره ۱۶۷	رعایای کرگان رود تالش	گماشتگان نصرت الله خان تالشی و گماشتگان نایب السلطنه	گزارش تعداد فراریان از جوار نصرت الله خان	پارسال دویست خانوار از تعدی نصرت الله خان فراری شدند. عارض شدیم. گماشتگان حضرت والا آمده، در خانه نصرت الله خان سرگرم عیش و عشرت گردیده و بعد از استیفای حظ خویش، تصدیق نامه دادند که یک نفر فراری شده است و حال آن که چهارصد خانوار رعیت کرگان رودی از تعدیات او به روسیه رفته اند.
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره ۱۷۵	ندافان کاشان	حکومت کاشان و دفتر خانه دیوان استیفا	حذف تخفیف مالیاتی در دستور شاه	عریضه نگاشته بودند که احکام و فرامین قدیم و جدید دردست است که تخفیف در حق ما مقرر بود و اکنون مطالبه می نمایم. حسب الامر الاعلی از دفتر خانه مبارکه، تحقیق و معلوم شد که تخفیف آن ها را در دربار اعظم وازدهاند و در دستور العمل به قلم نیامده؛ لهذا مطالبه می کرده اند.

<p>از تعدیات فوق طاقت مباشرین اصطهبانی به‌ستوه آمده‌ایم. تعدیات، واقع و تخفیفات، غیرمجری. [...] حکم از جناب اجل اکرم صادر گردید [...] به صاحب دیوان مقرر شده است که رسیدگی و احقاق حق نماید؛ اما اثری از رسیدگی و احقاق حق معلوم نیست.</p>	<p>حذف تخفیف مالیاتی علی‌رغم دستور شاه</p>	<p>مباشرین خالصه در استهبان و میرزا فتحعلی خان صاحب دیوان، وزیر فارس</p>	<p>شیخ عبدالله و قاضی محمد و شیخ مهدی اصطهبانی</p>	<p>کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره ۱۶۶</p>
<p>اسماعیل، مباشر خالصه حکومت، [...] آب خالصه را بر سر یک قطعه زمین ما آورده که جوترشه بکارد و ما عارض به حکومت شدیم، فایده ندارد. استدعا آن که مقرر شود متعرض ملک ما نباشد و در زمین ما تخم نکارد.</p>	<p>تصرف عدوانی زمین رعیت و بهره برداری از آب خالصه</p>	<p>مباشر خالصه حکومت و نایب الحکومه</p>	<p>حاجی میرزا جواد و آقامیرزا عبدالغفار از قم</p>	<p>کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند شماره ۱۵۴</p>
<p>مهراب سلطان خرقانی، اتکالاً به آجودان باشی، حکمی به‌اشتباه از حضرت والا نایب السلطنه صادر و قطعه باغچه موروثی مرا خراب و رعایا را غارت نمود.</p>	<p>تصرف عدوانی زمین</p>	<p>صاحب منصب فوج و آجودان باشی</p>	<p>ملا شیخ علی از برغان قزوین</p>	<p>کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند ۱۵۸</p>
<p>راه قنات را از مسجد بسته و مانع از اجرای آن در مجرای اصلی که مسجد است می‌باشند. [...] عزالدوله تصدیق نوشته‌اند. میرزا موسی صدر الحق برخلاف حق، مانع و پسرش که از نویسنده‌های دیوانی است، حامی اوست و میرزا احمد پیشکار، از شرارت آن‌ها احتیاط در اجرای حق دارد.</p>	<p>انحراف مسیر قنات</p>	<p>میرزا احمد پیشکار و یکی از نویسندگان دیوان</p>	<p>اهالی همدان</p>	<p>کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند ۱۵۲</p>

تأثیر نهاد «مجلس تحقیق مظالم» بر مناسبات قدرت ... (مهدی میرکیایی) ۳۱۱

سه دانگ و نیم قریه رستم، ملکی این داعی و بستگان و دودانگ و نیم ملکی سه نفر از اهالی بار فروش است که سی سال است به دعاگو اجاره داده‌اند. سیدعلی نام، ضابط کیاکلا، پارسال دست تعدی در آنجا دراز نمود [...] اجاره نامه را خدمت حضرت والا نایب السلطنه فرستادم، به اعتضادالملک رقم کردند که رفع تعدی نماید. اعتضادالملک پس از رسیدگی صریحاً می گوید من نمی توانم از عهده برآیم.	تصرف عدوانی زمین	نایب الحکومه و ضابط کیاکلا	شمس العلماء از بارفروش	کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند ۱۶۵
پنج سال قبل، میرزارضای ملایری به ممیزی تویسرکان آمده، دو هزار تومان از مردم گرفته، از جمله شصت تومان به توسط شیرعلی خان از ما گرفت و سرخطی داد. سه سال معمول بود. در سینه ماضیه، جعفرقلی خان، پسر حاجی سعدالدوله، سی تومان به میرزا رضا داد و تخفیف گرفته، بر جمع آرتیمان افزوده است.	کسر مالیات از یکی از نخبگان حاکم و افزودن به مالیات روستاییان	ممیز مالیات و حاکم همدان	رعایای آرتیمان ملایر	کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند ۱۷۲
یا در دربخانه همایونی تعارف داده، توپچی می شوند یا به سرکرده سوار رشوه داده غلام می شوند و هر یک البته چند نفر وابسته دارند. در شرارت و دزدی و تعدی و ندادن مالیات آنچه می توانند می کنند. نواب ضیاءالدوله خواستند در مقام منع آنها برآیند از قرار مذکور حکمی از صدارت عظمی صادر شده است که حکومت در امر نوکر دخالت نکند.	علم برداخت مالیات، تعدی به اهالی	صدر اعظم و سرکردهگان افواج ولایت	اهالی شاهرود و بسطام	کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند ۱۷۴
احدخان فراش باشی [...] مثل گرگ گرسنه به میان مردم افتاده هر شب خانه و دکانی را می زند و رؤسای تلگراف و پست را هم با خود یار نموده که روزنامه ولایت را صادقاً به عرض نمی رسانند.	سرقت اموال اهالی	فراش باشی و رؤسای تلگراف و پست	کسبه ملایر	کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند ۱۴۱

آن چه از عرایض جدول ۲ برمی آید منفعت مشترک شاه و توده های مردم از این عریضه نگاری هاست. شاه علاوه بر آن که با اطلاع از این تبانی ها می تواند هم داستانی و هم دستی دو گروه از نخبگان حاکم را که ائتلاف شان تهدیدی برای اقتدار او به شمار می رود برهم بزند بلکه برخی از دارایی ها و درآمدهای دربار را از دستبرد این دو گروه مصون

نگه دارد و رعایا نیز می‌توانند به یاری شاه، بهره‌کشی نخبگان حاکم در ولایات را تعدیل کنند.

انتفاع دوسویه شاه و رعیت از این عریضه‌نگاری‌ها سبب می‌شد که این نهاد در طول عصر ناصری با عناوین مختلف و گاه بدون عنوان برپا بماند.

## ۵. جلوگیری از تقویت پیوندهای افقی

حداقلی بودن حکومت‌های پیشامدرن به این معناست که انجام بسیاری از امور به جامعه و مردم محول می‌شد و حکومت در حل مسائل و مشکلات مردم دخالتی حداقلی و اندک داشت. این وضعیت باعث می‌شد عموم مردم برای سامان دادن به زندگی خود در شهر، روستا یا ایلات به صورت گروه‌های هم‌بسته درآیند و با برقراری انضباطی خاص، تشکیلات و سازمان‌های محدود و محلی را سامان دهند. آن‌گونه که کرون تأکید می‌کند زندگی به صورت منفرد در جهان پیشامدرن امکان نداشت و تعلق به خانواده‌های بزرگ یا محافل، اصناف و حتی گروه‌های عقیدتی خاص از ضرورت‌های ادامه حیات در جهان پیشامدرن بود: «تصور توده‌های نامتمایز مردم که بتوانند در ارتباطی بی‌طرفانه با یکدیگر زندگی کنند برای انسان‌های عصر ماقبل صنعتی تصویری خیالی و به دور از واقعیت است» (کرون، ۱۳۹۶: ۱۰۶). حکومت با مجموعه‌ای از این پیوندهای افقی و گروه‌های خودسامان در جامعه مواجه بود که آنها را خوش نمی‌داشت و بدیهی است که از تقویت این گروه‌ها بیش‌تر کراهت داشت. هر می‌بودن ساختار جامعه در ایران این توقع و چشمداشت را در دربار ایجاد می‌کرد که مردم به جای ارتباط با یکدیگر در پی ارتباط با راس هرم یا شاه باشند؛ اما بهره‌کشی گروه‌های فرادست در ولایات و بی‌توجهی دربار به این وضعیت، ممکن بود مردم را به تقویت سامانه‌ها و پیوندهایی که میان خود تشکیل داده بودند و دارد تا محافلی را برای مقابله با گروه‌های مسلط شکل دهند؛ شبکه‌هایی که می‌توانستند مناسبات قدرت در جامعه را دگرگون کرده، با ایجاد نقاط مقاومتی در هر گوشه جامعه، علاوه بر قدرت‌های محلی، اقتدار حکومت مرکزی را هم به چالش بکشند. عریضه‌نگاری به دربار موجب ارتباط عمودی عامه با رأس هرم قدرت می‌شد و آنها را از نیرومندسازی پیوندهای افقی منصرف می‌کرد. عرایض جدول ۳ دربردارنده نمونه‌های عریضه‌هایی است که در آنها گروهی از مردم به صورت جمعی به شاه دادخواهی کرده‌اند و زینهار برای

تأثیر نهاد «مجلس تحقیق مظالم» بر مناسبات قدرت ... (مهدی میرکیایی) ۳۱۳

دربار قاجاریه به شمار می‌روند که بی توجهی به وضعیت عریضه نگاران ممکن است به انسجام بیش تر و اقدام عملی آن‌ها بیانجامد.

جدول ۳

شماره سند	نویسندگان عریضه	موضوع اعتراض جمعی	لب عریضه
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند ۰۲۰	صنف قصاب قم	مالیات اضافه	در سنه ماضیه بیچی نیل، از قرار جمع میرزاحیب‌الله، یک هزار و هفتاد و پنج تومان از این صنف زیاده دریافت نمودند. از خانه و مایه آنچه داشتیم، در ظرف یک سال بر روی این کار گذاشتیم و هر وقت خواستیم محاسبه خود را با مباشر پردازیم اقدام نمودند و حال معلوم شد که این مبلغ را تعدیاً از ما گرفته‌اند. به حضرت والا نایب السلطنه عارض شدیم، اعتنا نفرمودند. ناچار به بست حضرت فاطمه بنت موسی (ع) متحصن شده، بدین عریضه جسارت می‌ورزیم.
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند ۰۲۳	بعضی رعایای کاشان	تصرف املاک و آب در گرو	حاجی سید حسین با نصرالله نام بیدگلی وصلت کرده و به تقویت او اسناد قدیم را که در برابر سی تومان، دویست تومان ملک ما را خورده است، دست آویز کرده، ما را اذیت می‌نماید. یک مرتبه خواستیم که بالاجماع روانه دارالخلافه الباهره شده، شرح حال خود را به عرض حضور مبارک برسانیم، حاکم ما را مانع شد.

<p>مهدی نام در شب عروسی برادرش زخمی برداشت. ده روز فاصله مرد. به علما و معتبرین گفته بود که علی نقی و مراد نام مرا زده‌اند. نایب تویسرکان مراد را گرفته، علی نقی فرار کرد. بعد از فوت مهدی، برادرش نعش او را برداشته، نزد شاهزاده نایب الایاله ملایر برد و ده‌پانزده نفر تفنگدار آورد که ما فقرا را که نه متهم بوده‌ایم و نه به عروسی خانه رفته‌ایم بگیرند. غفلتاً به خانه‌های ما ریخته، سه نفرمان را به ساچمه مجروح نموده، اموالمان را بردند. ما چند نفر، ناچار، مال و عیال خود را گذاشته به تلگرافخانه کنگاور متحصن شدیم.</p>	<p>حسب بی گناهان</p>	<p>رعایای تویسرکان</p>	<p>کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند ۰۲۴</p>
<p>[نصرت الله خان تالشی] عیال ما را که پای پیاده به‌انزلی می‌برد، قراول بر آنها گذارده و به [محض] وصول به ولایت، اطفال را به چوب بسته‌اند، زنان را به دست نامحرم داده، خانمان را آتش زده، هر یک از زنان ما دردست ده نفر نامحرم مانده‌اند. اگر در اسلام انتقام ما از او کشیده نشود، باید به دین نصاری رفته، دادخواهی نماییم.</p>	<p>شکایت اطفال، تجاوز به عتف</p>	<p>رعایای تالشی</p>	<p>کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند ۰۵۶</p>
<p>ارسال از شرارت سوارة منصور عارض شدیم، اسماعیل خان تفنگدار مأمور شد که احقاق حق رعیت را نماید. حقیقت را معلوم نموده، مراجعت نمود. این اوقات آن اویش دچار عدل خداوندی شده، اخراج گردیدند و موجب رفاه حال و آسودگی این رعایا شد. در ثانی چهارصد تومان به سیف الملک پیشکش داده، برقرار شدند و در این صورت، ما جلای وطن اختیار می باید کرد که البته به‌ضعاف این مبالغ از مال ما رعایا خواهند برد.</p> <p>نصرت الله خان به‌اعانت والی، باز حکم همایون را تبدیل داده، عیال ما را از در عتف به ذلت تمام به کرگان رود آورده، مقاصد فاسده خود را در حق این بیچارگان به اجرا رسانید. یک نفر را کشت و عیال یکی را در حضور او با چهار نفر اجنبی جفت نمود. بعضی از ماها را در میدان رشت چوب بسته، حاکم را هم به رشوه راضی نموده، ناچار در بقعه خواهر امام متحصن شده‌ایم.</p>	<p>تعدی قشون نظامی ششون نایب الحکومه و تجاوز به عتف</p>	<p>رعایای کرگان رود تالشی اهالی بیج ملایر</p>	<p>کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند ۰۵۸</p> <p>کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند ۰۶۶</p>

تأثیر نهاد «مجلس تحقیق مظالم» بر مناسبات قدرت ... (مهدی میرکیایی) ۳۱۵

<p>یک ماه است پانصد نفر رعیت از ستم تهماسب خان نام به تلگراف خانه رشت بستی شده‌ایم که ما را چاپیده، اغنام و احشام برده، باعث اغتشاش ولایت و استیحا‌ش رعیت گردیده است.</p>	<p>تنگ</p>	<p>رعایای تالش دولاب</p>	<p>کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند ۰۹۹</p>
<p>اعتضادالدوله عنفاً می گوید حصادی شمس آباد را مجانا بکنید. چون استطاعت نبود در صحن متبرک منحصن شده [ایم].</p>	<p>تنگ</p>	<p>اهالی قریه صرم قم</p>	<p>کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹ سند ۰۹۷</p>

همان طور که در عرایض جدول ۳ مشخص است رعایا علاوه بر نگاشتن عریضه، یا در بقاع متبرکه و تلگرافخانه بست نشسته‌اند یا تهدید کرده‌اند که به اجماع روانه دارالخلافه می‌شوند یا حکومت را از جلای وطن دسته جمعی ترسانده‌اند و حتی تهدید کرده‌اند که به صورت گروهی «به دین نصاری خواهیم رفت». این اعتراض‌های جمعی، انرژی فراوانی را برای پیوستگی بیشتر توده‌ها در گروه‌های خودسامان فراهم می‌آورد و پیوندهای افقی را منسجم‌تر و محکم‌تر می‌کرد، قدرت چانه زنی مردم را با حکومت بالا می‌برد و دسته‌های به هم پیوسته توده را در کنار سایر حاملان قدرت به رقیبی تازه برای قدرت به ظاهر مطلقه شاه تبدیل می‌کرد. به این ترتیب، کارکرد دیگر «نهاد مجلس تحقیق مظالم» در بسط اقتدار شاه مشخص می‌شود و این بار به جای گروه‌های ذی نفوذ و مسلط، یکپارچگی توده‌ها را نشانه می‌رود.

### ۶. نتیجه‌گیری

حکومت‌های پیشامدرن همواره از ضعف اطلاع‌رسانی رنج می‌بردند و آن گونه که از عرایض مجلس تحقیق مظالم در عصر ناصری بر می‌آید این عرایض ابزاری کارا برای جبران بخشی از بی‌اطلاعی دربار از وضعیت ولایات به شمار می‌رفتند. شاه نه تنها در طول فعالیت صندوق عدالت و مجلس تحقیق مظالم، بلکه در طول سلطنتش، عرایض عامه را با دقت مطالعه کرده، در مواردی که نیازی را احساس می‌کرد افرادی را برای تحقیق روانه می‌کرد و پیگیر اجرای فرمان‌هایی بود که ذیل عریضه‌ها صادر می‌کرد. این عریضه‌ها تصویری واضح‌تر را از شیوه حکمرانی در ولایات در اختیار شاه می‌گذاشتند؛

مواردی همچون بدعت در مالیات، ربودن تخفیف مالیاتی که دربار برای رعایا در نظر می‌گرفت، اخاذی، ناامنی در ولایت و ... از سوی دیگر بی توجهی او به تمام عرایضی که با موضوع ستایش و تایید حکومت ولایات نوشته شده بودند آشکارگر نیت اصلی او از تاسیس این نهاد است؛ نهادی که محصول اتحاد نانوشته شاه و رعایا برای مهار خودسری مقامات ولایات بود. اما این عرایض تنها قدرت حکام را نشانه نمی‌رفتند و سایر نخبگان مسلط را نیز همچون صاحب منصبان قشون، ملاکان، شاهزادگان، دیوانیان محلی، داروغه‌های شهرها و ... به پاسخگویی در برابر دربار وامی داشتند. افزون بر این، تباری دیوانسالاران و حوashi دربار با حکام ولایات می‌توانست قدرت به ظاهر مطلق شاه را به چالش بکشد و نیز زیان اقتصادی فراوانی را در پی داشته باشد. این عرایض با آشکارکردن برخی از این تباری‌ها شاه را در برانداختن آنها و بسط اقتدارش یاری می‌رساند. جلوگیری از یکپارچگی بیشتر توده‌ها در گروه‌های خودسامان محلی از کارکردهای مهم مجلس تحقیق مظالم بود. این گروه‌ها و محافل که از واقعیت‌های جامعه شناختی جهان پیشامدرن به شمار می‌رفتند در مقابله با استثمار گروه‌های حاکم منسجم‌تر و فعال‌تر می‌شدند و می‌توانستند به نقطه مقاومتی در برابر حکومت تبدیل شوند. شاه طی مطالعه عرایض از اعتراض‌های جمعی رعایا که طولانی شدن آنها این گروه‌های خودسامان را تقویت می‌کرد، آگاه شده، برای انصراف آنها از اعتراض و انسجام بیشتر به حاکم ولایت فشار می‌آورد تا در مناسبات قدرت، نیرو و وزن جدیدی شکل نگیرد و رعایا به جای تلاش برای نیرومندسازی پیوندهای افقی در اندیشه تقویت پیوندهای عمودی خود با رأس هرم قدرت یا شاه باشند.

به این ترتیب مجلس تحقیق مظالم در ابعاد مختلف به نهادی برای تقویت اقتدار شاه در برابر سایر ارباب قدرت در جامعه از نخبگان حاکم و دیگر فرادستان گرفته تا توده‌ها تبدیل می‌شد و می‌توانست مطلق بودن قدرت شاه را که با اختیارات فراوان گروه‌های مسلط در مناطق دور از مرکز در مقام نظر باقی مانده بود به واقعیت نزدیک‌تر کند.

### شیوه ارجاع به این مقاله

میرکیایی، مهدی. (۱۴۰۰). تاثیر نهاد «مجلس تحقیق مظالم» بر مناسبات قدرت در عصر ناصری. *تحقیقات تاریخ اجتماعی* (۱) ۱۱





سند شماره ۱۶۶: میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۱۵۴: میکروفیلم شماره ۲۹۲۹،  
سند شماره ۱۵۸: میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۱۵۲: میکروفیلم شماره ۲۹۲۹،  
سند شماره ۱۶۵: میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۱۷۴: میکروفیلم شماره ۲۹۲۹،  
سند شماره ۱۴۱: میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۱۱۹: میکروفیلم شماره ۲۹۲۹،  
سند شماره ۱۳۶: میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۱۴۷: میکروفیلم شماره ۲۹۲۹،  
سند شماره ۲۸۸: میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۲۳۷: میکروفیلم شماره ۲۹۲۹،  
سند شماره ۲۳۰: میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۲۰۰: میکروفیلم شماره ۲۹۲۹،  
سند شماره ۰۲۳: میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۰۲۴: میکروفیلم شماره ۲۹۲۹،  
سند شماره ۰۵۶: میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۰۵۸: میکروفیلم شماره ۲۹۲۹،  
سند شماره ۰۶۶: میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۰۹۷: میکروفیلم شماره ۲۹۲۹،  
سند شماره ۱۹۹: میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۰۲۶: میکروفیلم شماره ۲۹۲۹،  
سند شماره ۰۹۹: میکروفیلم شماره ۲۹۲۹، سند شماره ۱۱۶؛